

عالمان مجاهد: ازمشروطه خواه تا ملی گرا

ح. ۱.



امین الشریعه به همراه عده‌یی از مشروطه خواهان

۱- مدخل

در شماره‌ی چهارم ماهنامه‌ی حافظ با نقل بخشی از اخلاق امینی به مناسبت اندرزنامه‌های ایرانی، یادى از امین الشریعه و در شماره‌ی هشتم، به اعتبار زندگی‌نامه‌ی زنده‌یاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی یادى از آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی کردیم. اخیراً کتابی به‌دست ما رسید با عنوان علمای مجاهد، تألیف محمدحسن رجبی (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ۵۵۸ ص)، شامل احوال جمّ غفیری از عالمان شیعه همچون آخوند خراسانی، میرزا محمدحسن آشتیانی، حاج‌آقا نورالله اصفهانی، سیدابوالقاسم کاشانی و...

شرح احوال امین الشریعه (عالم مجاهد مشروطه‌خواه) و شرح احوال حاج سیدرضا زنجانی (عالم ملی‌گرا) هم در این کتاب چاپ شده است و نقل آن‌ها بی‌دخول و تصرف برای خوانندگان بی‌فایده نخواهد بود.

۲- امین الشریعه

محمدحسن رجبی در کتاب علمای مجاهد درباره‌ی عالم مجاهد مشروطه‌خواه، مرحوم امین الشریعه سبزواری نوشته است: «امین الشریعه سبزواری، از مشاهیر علما، فضلا و ادبای مشروطه‌خواه ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری. پدرش میر سیدمحمد امین‌الحکماء از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری بود. امین الشریعه در ۱۲۴۷ ش. در سبزواری به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد پدر خود خواند و فقه و اصول و حکمت را از حاج میرزا حسین سبزواری و افتخارالحکمای طالقانی فراگرفت. آن‌گاه به

سوار مقصودلو بود، تبعید گردید و در آن‌جا نیز ساکت ننشسته و به مبارزات خود علیه شاه مخلوع ادامه می‌داد. از خدمات سیاسی امین الشریعه، مخالفت او با قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله بود که بر اثر سخنرانی‌های مکرر در گرگان در معرض دستگیری بود که ناچار به مشهد رفت (۱۲۹۸ ش). از حرکت کلنل محمدتقی‌خان پسبان حمایت کرد و سرانجام پس از قتل کلنل به بیرجند رفت و در آن‌جا امیر شوکت‌الملک علم را به تأسیس اولین مدرسه‌ی دخترانه در خراسان (مدرسه‌ی شوکتیه نسوان) واداشت (۱۳۰۰ ش).^۲ امین الشریعه در طول حیات خود با رجال علمی و ادبی مختلف در ارتباط بود. وی در ۱۳۱۸ در گرگان بدرود حیات گفت و در بقعه‌ی امامزاده عبدالله آن شهر به خاک سپرده شد.

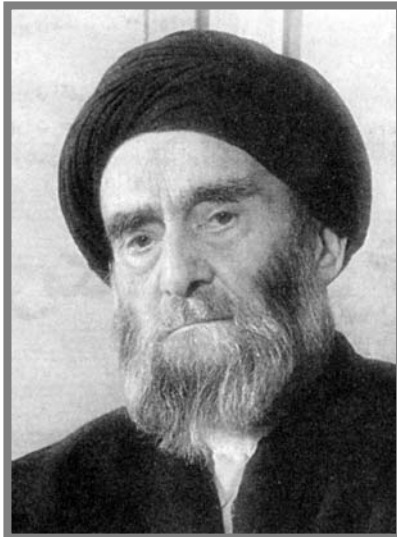
تألیفات وی عبارتند از: اخلاق امینی که با مقدمه و تعلیقات سیدحسن امین به چاپ رسیده است. مصاحب‌الصالحین، دیوان اشعار، کشکول امینی و حواشی بر منظومه‌ی حکمت حاج ملاهادی سبزواری

حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت و پس از تکمیل تحصیلات نزد استادان آن‌جا مانند میرزا محمد آقازاده (فرزند آخوند خراسانی) و حاج فاضل خراسانی (شاگرد حاج ملاهادی سبزواری) بهره برد. وی بعدها از مراجع بزرگ مانند سیدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران نیز به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و حدیث نائل گردید. امین الشریعه مدت‌ها به تدریس ادبیات و سطح فقه و حکمت در مدرسه‌ی فصیحیه‌ی سبزواری و بعدها در مدرسه‌ی سردار گرگان اشتغال داشت.

او علاوه بر معارف عقلی و نقلی و حدیث و تفسیر و ادبیات، در علم اعداد، احضار ارواح و موسیقی نیز در عصر خود کم‌نظیر بود. وی طبع شعر نیز داشت و به مناسبت استادى در موسیقی آوازی «بلبل» تخلص می‌کرد.^۱

امین الشریعه در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی عصر خود فعال بود. در انقلاب مشروطیت به آزادی خواهان پیوست و در ۱۳۲۶ ق. به دستور محمدعلی شاه قاجار به سرخندکلاته استرآباد که مرکز دسته‌جات

به مبارزه‌ی خود علیه آن فرقه ادامه داد. با شروع نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران، او از حامیان مؤثر این نهضت و از طرفداران جدی و باثبات دولت ملی دکتر مصدق بود و با کمک حاج سیدعلی رضوی



(صدرالحفاظی) رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی تهران به مبارزه علیه رژیم و طرفداری از دکتر مصدق ادامه می‌داد. در این سال‌ها وی چندبار با دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد تا شاید روابط سرد فزاینده میان آن دو را بهبود بخشد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دکتر مصدق که به محاکمه‌ی او و برخی یارانش انجامید، آیت‌الله زنجانی در تعیین وکلای مدافع و رایزنی با آنان، شرکت فعال داشت و خود حق وکالت آن‌ها را با فروش باغ شخصی بزرگی که در زنجان داشت، پرداخت. وی از بنیانگذاران جلسات شورای مرکزی نهضت مقاومت ملی بود که این شورا غالباً در منزل وی تشکیل می‌گردید و به کمک و همراهی عده‌ی از یاران دکتر مصدق این نهضت تا اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ هم‌چنان ادامه داشت.

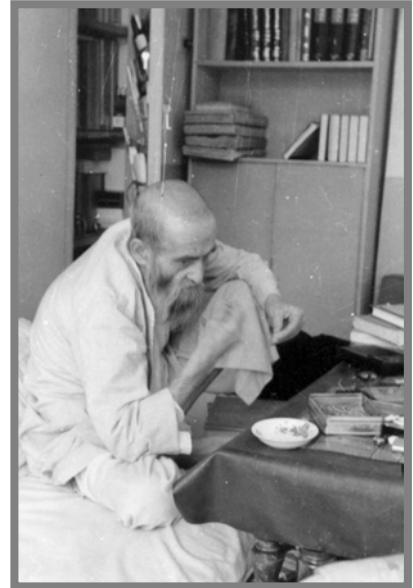
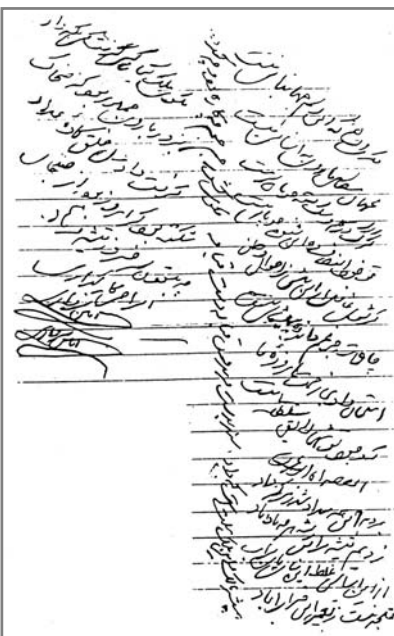
زنجانی به‌دلیل مبارزات پیگیرش علیه رژیم سلطنتی چندبار توقیف و زندانی گردید. یک‌بار با دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه‌ی دولت دکتر مصدق، هم‌بند و

به زور بازوی جمهور بود کز ضحاک گرفت داد دل خلق، کاوه‌ی حداد شکسته بود گر امروز بود از صد جای چو بیستون سر خسرو ز تیشه‌ی فرهاد

۳- حاج سیدرضا زنجانی

ضمن گرمی‌داشت یاد و خاطره‌ی عالم مجاهد ملی‌گرا، مرحوم حاج سیدرضا زنجانی که ۱۴ دی‌ماه امسال مصادف با بیست و یکمین سال درگذشت او بود، شرح حال آن بزرگوار را عیناً از همان کتاب **علمای مجاهد** نقل می‌کنیم: «حاج سیدرضا زنجانی از علمای مبارز ایران در قرن چهاردهم هجری. وی فرزند حاج سیدمحمد بود و در ۱۲۸۲ ش. در زنجان متولد شد و در همان‌جا پرورش یافت و تحت نظر پدر خود مقامات علوم را فراگرفت و در ۱۳۰۶ ش. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم وارد شد و به ادامه‌ی تحصیل مشغول گردید.

زنجانی پس از فوت پدر خود به زنجان بازگشت و مرجع حل و فصل امور مردم گردید. پس از اشغال بخش‌هایی از شمال کشور توسط ارتش شوروی در جریان جنگ جهانی دوم و ادامه‌ی تصرف آذربایجان تا نزدیکی‌های قزوین به‌وسیله‌ی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، وی به تهران کوچید و



که به‌چاپ نرسیده است. ارزش عمده‌ی **اخلاق امینی** در نشان‌دادن جو فرهنگی عصر قاجار از یک‌سو و تأکید مؤلف بر لزوم آموزش و پرورش دوشیزگان و بانوان از سوی دیگر است.»

دو غزل به خط امین‌الشریعه

الف - غزل انقلابی بر ضد پادشاهان قاجار: فکری ای شاه که این رسم جهانبانی نیست به جهان مشکل ما، روی به‌آسانی نیست گرگ در گله و سگ بسته و چوپان سرمست تو خود انصاف‌ده، این شیوه‌ی چوپانی نیست گر شوی غافل از این بیش ز احوال وطن چاره‌ات جز غم و اندوه و پشیمانی نیست امتحان داد به ما زحمت امروزه‌ی ما که وجود تو - شها! - لایق سلطانی نیست

ب - غزل انقلابی به نفع حرکت جمهوری‌خواهی در ایران

به مردم این همه بیداد شد ز مرکز داد زدیم تیشه بر این ریشه، هرچه بادا باد از این اساس غلط، این بنای پای بر آب نتیجه نیست ز تعمیر این خراب‌آباد همیشه مالک این ملک، ملت است که داد سند به دست فریدون، قباله دست قباد مگوی کشور جم! جم چه کاره بود و چه کرد! مگوی ملک کیان! کی گرفت و کی به که داد!



سیّدحسین موسوی

حسب حالی نوشتیم و شد ایّامی چند

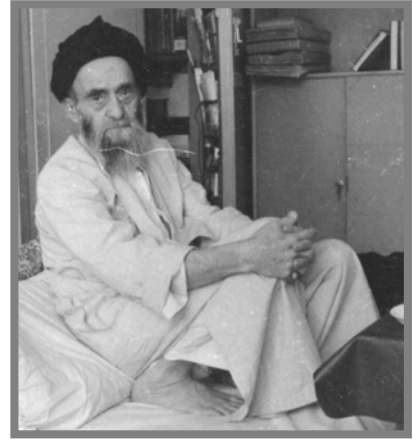
چونکه ماه رمضان رفت زدم جامی چند
تا زدایم ز دلم محنت ایّامی چند
مادر می بفرسردیم و به جامش کردیم
تا ستانم زلب دختر رز کامی چند
عشق پیرانه سرم در طمع خام انداخت
دل دیوانه ما بین که چه سان افتاده است
با همه رندی مادر قفس و دامی چند
عمر بگذشت ولی دیده نبیند کاین عمر
آفتابی است که افتاده لب بامی چند
زورق گمشده بودیم به دریای وجود
ساحلی کو که در این برهه زخم گامی چند
عمر ما رفت و تو در خواب و جهالت تا چند
ایکه از عمر تو کی مانده به جز شامی چند
حیف و صد حیف در این دور زمان می بینم
رشته زندگی ما به کف عامی چند
نشیدیم و ندیدیم کس از روز الست
بستانند از این طایفه انعامی چند
هر بلائی که کشیدیم کشیدیم از دوست
دارم از بهر عدو گفته و پیغامی چند
نازم آن دشمن دانا چه بگویم کز دوست
ما ندیدیم به جز تلخی و دشنامی چند
چشم کوتاه نظران کور خدایا مددی
کی رها می شوم از زحمت نامی چند
سنگ در کاسه دانا و شگفتم ز خدای
زچه رو داد جهان را به کف خامی چند
می رود عالم دلسوخته با سوز و گداز
تا ز جاهل بستاند درم و وامی چند
شاد از آنم که به منظور زر و گاه و مقام
دل ما هیچ نشد رهرو بدنامی چند
شکر ایزد که نبوده است «عطا» رهرو ننگ
حالیا به که زخم گام پی نامی چند



ان الحیات عقیده و جهاد

با اندوه فراوان و دروغ بی پایان،
درگذشت دوست آزاده و
ایران دوست، حقوق دان فرهیخته و
حقوق پرست، شادروان **دکتر
امیرمسعود حجازی** (وکیل پایه
یکم دادگستری) را که از غنایم و
ذخایر ملیون و مؤلف چندین کتاب
و مقاله در تاریخ سیاسی معاصر و
تاریخچه‌ی جبهه‌ی ملی بود، به
اطلاع ملت حق شناس و حق جوی
ایران می‌رساند. آیین یادبود و
بزرگداشت آن چهره‌ی مبارز ملی
روز سه‌شنبه، پانزدهم دی ۸۳ از
ساعت ۶ تا ۷/۳۰ بعدازظهر در
مسجد نور، واقع در میدان دکتر
فاطمی برگزار می‌گردد. شرکت
در مراسم بزرگداشت آن
بزرگوار، مایه‌ی تسلای بازماندگان
شریف و معظم او، موجب
دل گرمی هم‌اندیشان مظلوم او، و
علو درجات روح آن رادمرد
ایران دوست خواهد شد.

پروفیسور سیدحسن امین
مدیرمسؤول و سردبیر
ماهنامه‌ی حافظ
(روزنامه‌ی اطلاعات؛ ۱۴ دی ۸۳، ص ۱۵)



زندانی بود که با وی روابط محرمانه و
مفصلی برقرار کرد و یادداشت‌های زیادی رد
و بدل نمود.

در ۱۳۴۶ که دکتر مصدق در تبعیدگاه
خود در احمدآباد درگذشت، آیت‌الله زنجانی
به‌همراه جمعی از یاران دکتر مصدق
بلافاصله به آن‌جا رفتند و او را غسل داده،
کفن کرده و به خاک سپردند.

آیت‌الله زنجانی در انقلاب اسلامی
۱۳۵۷ فعالیت چشمگیری نداشت و معتقد
بود که برای اصلاح امور مردم، روحانیون
فقط باید نظارت دقیق و مؤثری داشته
باشند.

آیت‌الله زنجانی، مردی خیر و نیکوکار
بود و به خانواده‌های مستمند مسلمان و حتا
غیرمسلمان و نیز برخی خانواده‌های زندانیان
سیاسی بی‌سرپرست، به دور از چشم
فرمانداری نظامی، کمک‌های مالی و مادی
می‌کرد. زنجانی پس از چندسال تحمل
کسالت و بیماری در ۱۳۶۲ در تهران بدرود
حیات گفت و در حرم مطهر حضرت
معصومه (س) در کنار آرامگاه استادش
حائری یزدی مدفون گردید. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- در بعضی از منابع ادبی و یکی از گنجینه‌های
اشعار، اشعار امین‌الشریعه‌ی سبزواری متخلص به
«بلبل»، به‌اشتباه به نام بلبل کشمیری (ملاً اشرف
دیری معروف به «بلبل‌شاه» شاعر قرن دوازدهم)
ضبط شده است.

۲- ر. ک. مقاله‌ی استاد دکتر سید محمدرضا
جلالی نائینی درباره‌ی «علامه سیدمحمد فرزاد» در
شماره‌ی دهم حافظ.